

پلهای تاریخی آذربایجان

بقلم

رحیم هویدا

(دکتر در جغرافیا)

پل رودخانه قزل اوزن و شعبات آن

بر روی رودخانه قزل اوزن در دهانه قافلانکوه پلی بسته‌اند که تاریخ بنای آن معلوم نیست زیرا خطوط کتیبه‌ای که از بانی پل و بنای اولیه آن حکایت می‌کرده ساییده شده و از بین رفته است ولی بریکی از پایه‌های جنوبی پل کتیبه‌ای وجود دارد که در آن تاریخ تعمیر پل را سال ۹۳۳ هجری - قمری بوسیله بانوئی بنام بیگم خانم موصللو حک کرده‌اند.^۱

اما دانشمند فقید پروفیسور پوپ در کتاب معروف بنام :

A. Survey of persian art چنین نقل می‌کند : شاید زیباترین پل موجود

۱ - یادداشتهای خود نگارنده.

در ایران همان باشد که بسروی رودخانه قزل اور گند^۲ در جنوب میانه بسته‌اند. این رودخانه از شیاری در قسمت تحتانی قافلانکوه راه باز کرده. نسبت پل به بستر رودخانه چنان با شکوه است که از نظر زیبایی منظره بدیع آن با معماری سنتی ایران برابری میکند. فضای طاقها از سطح معمول آب کمی بالاتر قرار دارد و اگرچه رفته رفته بتدریج جمع و جورتر میشدند ولی روزنه‌های جبرانی برای موارد ضروری پیش بینی شده است. اینها با ساخت آجری در سطح پائین تری از سطح قوس قرار دارند. پایه‌های پل را باروکاری‌های زیبایی که شباهت بسبک گوتیک دارد استحکام بخشیده‌اند. گلبنند پل بارها مرمت شده و شکافهای کهنه نمودار این است که پل بارها از زلزله صدمه دیده است.

تاریخ بنای پل به اواخر قرن پانزدهم میرسد اگرچه مصالح ساختمانی آنرا میشود مربوط بدوره‌های اخیر دانست سنگ بنای پل تاریخ احداث آنرا ۱۴۷۵-۱۴۸۴ (۸۸۸ هجری) نشان میدهد گرچه نوشته آن خواندنش را برای کتیبه‌شناسان امر مشکلی کرده است.

اسم بنا (معمار) و حاکم حامی او چنین ثبت شده (حاجی عباس بن الحاج- محمود بن محمد بن العباس القزوینی و محمد روان بن عثمان القزوینی).

این تاریخ بوسیله A. Houtum-schindler که در حدود سال ۱۸۸۲ خوانده شده، وی نام حامی را نیز خوانده است بنا بنوشته او این کتیبه از نظر ناخوانی و عدم ارتباط موضوع در بناهای تاریخی نظیر ندارد. پروفیسور پوپ سپس در ذیل همین مطلب مینویسد که آقای مینوی^۳ که از روی تصاویر کار میکرده نظر شیندلر را تأیید و اسم بنا را نیز خوانده است.

۲ - مقصود استاد پروفیسور پوپ از قزل اور گند همان قزل اوزن میباشد که گویا به اشتباه قزل اور گند قید نموده است.

۳ - مقصود استاد ارجمند و دانشمند و محقق گرانقدر جناب آقای مجتبی مینوی میباشد.

سپس پروفیسور پوپ به نظریه Kotzebue اشاره کرده و چنین شرح میدهد:

Kotzebue در توصیف سفری به ایران در سال ۱۸۱۷ فیلادلفیا چاپ سال- ۱۸۲۰ صفحات ۱۷۹-۱۸۰ صحبت از کتیبه‌ای در کنارها میکند که نشان میداد که این بنا در ۱۴۴ سال قبل از زمان وی بوسیله یکی از اهالی کازبین (شاید قزوین) برپا داشته شده. این کتیبه بقرن مشکلی نسبت داده میشود (حتی اشتباه خوانی آن) چون در یکی از کنارهای شمالی پل قرار دارد.

موریه در سفرنامه ایران، ارمنستان، آسیای صغیر (لندن ۱۸۱۲) صفحه- ۲۶۷ از خط کوفی صحبت میکند که با آجر کار کرده‌اند و دور تا دور طاق اصلی نوشته بودند که نتوانسته ثبت کند، متأسفانه اثری از آن باقی نمانده در تصویری که از آن زمان پل موجود است شرح میدهد که پل از سنگهای زرد جدا از هم ساخته شده گرچه همان آجرها هستند که بر روی پایه سنگی باقی مانده‌اند.

سنگ بنای دیگری تاریخ مرمت پل را بوسیله شاه بیگم (بانو) بسال- ۱۵۱۷ (۹۲۳) نشان میدهد.^۴

گویا نوشته دیگری تاریخ مرمت دو باره آنرا بسال ۱۶۷۳ (۱۰۸۴) قید کرده.

در اواخر قرن هیجدهم پل مذکور بوسیله آقا محمدخان تعمیر شده در حدود چهل سال قبل بنائی از اهالی تبریز که در این قبیل کارها مهارت داشته پل را تعمیر کرده.

این بود نظریه پروفیسور پوپ دانشمند و باستان‌شناس و ایران‌دوست فقید. اینک قسمتی از مشاهدات مادام دیولافوا را که بسال ۱۸۸۱ میلادی از

۴ - در متن کتیبه موجوده در پل سال ۹۳۳ هجری قید شده است.

راه ترکیه و قفقاز باتفاق شوهرش به ایران آمده و شوهرش که شخص دانشمند و مهندس و باستان شناس معروفی بوده بمطالعهٔ ابنیه و آثار تاریخی قدیم پرداخته و اثر ارزنده‌ای از خود بیادگار گذاشته است و ما نظر خوانندگان گرامی را به مطالعهٔ کتاب او که بفارسی نیز ترجمه شده است جلب مینمائیم.^۵

راجع به پل قزل‌اوزن عده‌ای از سیاحان و جهانگردان نیز که از آن گذشته‌اند در سفرنامه‌های خود اشارتی نموده‌اند از جمله تاورنیه سیاح و دانشمند فرانسوی که ذکرش در پیش مذکور افتاد هنگام عزیمت از تبریز به اصفهان پس از گذشتن از میانه شرح مسافرت خود را چنین ادامه میدهد:

« در دو ساعت مسافت میانج با یک پل سنگی مشرف بخرابی از رودخانه‌ای عبور میشود این پل تمام از آجر و سنگ ساخته شده و طاقهای آنرا از داخل کنده‌اند^۶ و طول آن بقدر پن نف^۷ Pont neuf پاریس است این پل تقریباً در نزدیکی کوه بلندی واقع شده است موسوم به کاپلن تن (قافلانکوه) شاه عباس تمام راه آنرا سنگ فرش کرده است.^۸ در پایان روز از روی یک پل چوبی عبور کردیم^۹ همچنین در سال ۹۵۵ هجری قمری که شاه سلطان محمد صفوی از اردبیل از راه خلخال مراجعت میکرده و پیرغیب خان استاجلو را که حاکم طارم بود بمحافظت سربل^{۱۰} تعیین نمود و چون طغیان آب رودخانه

- ۵ - سفرنامهٔ مادام دیولافوا منطقه در چاپخانهٔ حیدری تهران سال ۱۳۳۳ شمسی صفحات ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹
- ۶ - استیل پل طوریت که طاقها را مجوف ساخته‌اند و تاورنیه خیال کرده که طاقها را از داخل کنده‌اند چنانکه در نظریهٔ مرحوم پروفیسور پوپ نیز قید شده و در صفحات قبلی بدان اشاره شده است.
- ۷ - بمعنای پل تازه است و آن پلی است که بر روی رودخانهٔ سن Sein در پاریس ساخته شده است.

۸ - سفرنامهٔ تاورنیه ص ۷۸

۹ - سفرنامه شاردن جلد سوم ص ۲۱

۱۰ - مقصود پل دختر فلی است.

قرل ازون زیاد بود و تردد مردم و دهاقین باردوی پادشاه بسختی انجام میگرفت علی‌هذا از لحاظ آذوقه در مضیقه بودند.

وضع فعلی پل دختر

در آذرماه سال ۱۳۲۵ شمسی قشون شاهنشاهی بسوی آذربایجان پیشروی میکرد و قوای متجاسرین مجبور به عقب‌نشینی از زنجان و میانه بودند برای جلوگیری از پیشرفت نیروی شاهنشاهی قسمت وسطی پل را منفجر نمودند که فعلاً بهمان صورت خراب باقیمانده است و سپس از طرف وزارت راه دو پل دیگر در حدود پل قدیمی بنا گردیده و یکی از آنها از نوع پل‌های بتونی بوده و عبور مرور از شاهراه سنتو از روی این پل انجام میشود.

رود و پل‌های رودخانه میانه

رودخانه میانه که در نزدیکی شهر میانه بقرل اوزن میبویندد یکی از رودخانه‌های پرآبی است که از اجتماع چندین رودخانه معتبر تشکیل شده است بر روی این رودخانه پلی وجود دارد که بانی آن معلوم نیست اما سیاحانی که از آنجا گذشته اند بوجود آن پل اشارت نموده‌اند که دلیل قدمت آن میباشد آن پل تا ساختمان راه جدید و تاسال‌های اخیر مورد استفاده بوده ولی با ایجاد راه اسفالتی جدید و بنای پل دیگر پل قدیمی دور از جاده جدید میباشد.

راجع به پل میانه لسترنج در صفحه ۱۸۳ سرزمین خلافت‌های شرقی چنین مینویسد که در زمان حمدالله مستوفی بر روی رودخانه میانه پلی وجود داشته است بدین شرح: (زیر شهر میانج رود هشترود که از جبال خاوری مراغه سرچشمه میگردد از طرف راست رودخانه اصلی بآن می‌پیوندد و در زمان حمدالله مستوفی در محل التقای این دو رود پل سنگی بزرگی باسی و دو طاق وجود داشته است).^{۱۱}

۱۱ - کتاب سرزمین خلافت‌های شرقی تألیف لسترنج صفحه ۱۸۳

شوالیه شاردن که در حدود سال ۱۶۶۴ میلادی بایران مسافرت کرده شرح گذشتن خود از رودخانه میانه را چنین توصیف مینماید :

روز دوم از میانه حرکت کردیم ولی بعلت خرابی پل رودخانه و صعب - العبور بودن جبال متعاقب بسیار معطل شدیم و خیلی بزحمت افتادیم بطوریکه فقط سه فرسخ راه طی کردیم. نهر میانه در فاصله یک میلی قصبه جریان دارد بسیار سریع السیر و عریض میباشد. بخصوص در محلی که ما عبور کردیم بیش از دو ساعت طول کشید که ما نتوانستیم معبر مناسبی پیدا کنیم و مرکوب و محمولات خویش را از آن بگذرانیم و بالاخره بعنایت الهی صحیح و سالم بر این مشکل فائق آمدیم ۱۲ همچنین کاری ایتالیائی که در سال ۱۱۰۵ - هجری قمری بایران مسافرت کرده هنگام مسافرت از تبریز باصفهان در سفرنامه خود چنین مینویسد (.... در چهار میلی این قصبه (میانه) از چهار شاخه رودخانه بزرگ میانه که آخری خیلی کم عرض و عمیق بود با اسب گذشتیم ولی در زمستان حتماً عبور از آن مقدور نمیشد و باید برای گذشتن از آب آن از شتر استفاده کرد. روی این رودخانه در قدیم پلی سی چشمه ای بنا شده بود که هنوز شش چشمه از آن باقیست. پس از آن بکوهی رسیدیم با اسم کاپلانتو (قافلانکوه) که تا شهر اصفهان در سر راه خود کوهی بدین بلندی مشاهده نکردیم دامنه آن طولانی و بتدریج به رودخانه قزل اوزن منتهی میشود که روی آن پل سه چشمه زیبائی بتازگی بنا گردیده است.) ۱۳

پلهای رودخانه آجی چای یا تلخه رود

رودخانه آجی چای ۱۴ که بمناسبت شوری و تلخی آبش بدین نام موسوم گردیده در اصطلاح فارسی تلخه رود نامیده میشود.

بر روی رودخانه آجی چای در کنار شهر تبریز چهار پل وجود دارد که

۱۲ - سفرنامه شاردن جلد سوم صفحه ۲۱

۱۳ - سفرنامه جملی کاری ایتالیائی صفحه ۴۲ ترجمه آقایان دکتر نجوانی و کارنک

۱۴ - آجی در ترکی بمعنای تلخ و چای بمعنای رودخانه میباشد .

یکی از آنها جدید و در سالهای اخیر بر روی جاده بازرگان تا کستان بنا شده و دوپل دیگر هنگام تأسیس راه آهن تبریز - جلفا در حدود سال ۱۹۱۳ یکی برای عبور قطارها و دیگری برای استفاده پیاده و سواره بنا گردیده و پل چهارمی که در مدخل شهر تبریز است قدیمی است.

پل قدیمی آجی چای

ازبانی پل آجی و تاریخ بنای پل اطلاعی در دست نیست و بالا اقل نگارنده از آن اطلاعی ندارد و در سفرنامه ها سیاحانی مانند ابن بطوطه و کلاویخو و شاردن که اولی در اوائل قرن هفتم و دیگری در حدود ۸۰۴ هجری و سومی در حدود سال ۱۸۰۴ هجری به تبریز آمده اند راجع به پل آجی چیزی دیده نمیشود مثلاً کلاویخو شرح ورود خود را به تبریز چنین مینسکارد:

دو رود از میان تبریز میگذرد و در نیمه یلی بیرون از شهر بسوی مغرب رود بزرگی روانست که آبی شور دارد و پلی سنگی بر آن زده اند. ۱۰

بعد از آن راجع به پل آجی تاورنیه که بین سالهای ۱۶۳۲ و ۱۶۶۸ شش بار بایران سفر کرده هنگام ورود به تبریز در سفرنامه خود چنین شرح میدهد: (روز دیگر یعنی روز پنجم که از کاروان سوا شده بودیم قریب سه ساعت در سرازیری راه پیمودیم تا رسیدیم بیک قریه بزرگی که در محیط قشنگی واقع شده بود و میوه های خیلی خوب داشت، یکدو ساعتی در آنجا استراحت کرده بعد براه افتاده و آمدیم بیک پل بزرگ سنگی که روی رودخانه بنا شده اما آن رودخانه آب ندارد مگر وقتی که باران بیارد. این رودخانه می رود بدریاچه ارومیه میریزد که شرح آنرا بعد خواهیم گفت). ۱۶ و سپس در جای دیگر مینویسد: (علاوه بر رودخانه کوچکی که از میان شهر تبریز میگذرد رود بزرگتری در نیم لیودور از شهر جاریست که پل قشنگی از سنگ روی

۱۵ - سفرنامه بازرگانان و نیزی صفحه ۳۸۲

۱۶ - سفرنامه تاورنیه صفحه ۶۴

آن بنا شده است و در نزدیك آن مقبره‌ای با گنبد و آثار چند دیده میشود. آب این رودخانه از کوههای شمالی آمده بمرداب ارومیه که در سیزدهم چهارده لیو دورتر از تبریز واقعست میریزد اسم این رودخانه آجی سو یعنی تلخ آب است و حقیقتاً آب آن بسیار بد است).^{۱۷}

یکی دیگر از سیاحانی که به پل آجی اشاره کرده پیرآمده امیلین ژوبر میباشد که در حدود سال ۱۸۰۶ میلادی از طرف ناپلئون امپراطور فرانسه برای انجام مأموریتی بدربار ایران آمده است وی هنگام ورود به تبریز در ضمن کتاب معروف خود بنام مسافرت در ارمنستان و ایران در صفحه ۱۲۱ چنین مینویسد: (از هرند تا تبریز دوازده فرسنگ ایران است که تقریباً هیچجده فرسنگ (لیو) میشود چون باید از جدك (گدوك) یا گردنه صوفیان گذشت چنین بنظر میآید که مسافت این راه کمی بیشتر از این باشد در جنوب شرقی هرند چندین دهکده خراب یافت میشود بکناریك رودخانه بنام (تلخه چای) تلخ رود میرسیم که آبش شور مزه است و بدریاچه ارومیه در دوازده فرسنگی غرب شهر ارومیه یا میهن زردشت میریزد يك پل استواری که طاقهایش بر پایه‌های سنگ-خارای سیاه زده و حجاریهای کهن آنرا زینت بخشیده روی این رودخانه برپای است).^{۱۸} همچنین يك سیاح فرانسوی بنام اوژن فلاندرن که در حدود سالهای ۱۸۴۱-۱۸۴۱ همراه يك هیأت سیاسی بدربار محمدشاه قاجار آمده در سفرنامه‌ای که نوشته تصویب-ری از رودخانه آجی چای دارد که زیر آن تصویر چنین نوشته شده (رودخانه آجی چای و بناهای اطراف آن^{۱۹} در این تصویر پلی با دو چشمه و برج و بارویی در کنار پل بایک برجی بلند دیده میشود و بنظر میرسد که این برج برای دیده بانی و مراقبت از پل و شهر بنا گردیده است.

۱۷ - سفرنامه تاورنیه صفحه ۶۴

۱۸ - کتاب مسافرت در ارمنستان و ایران تألیف امیلین ژوبر صفحه ۱۲۱

۱۹ - مجله تحقیقات تاریخی صفحه ۲۳۸

اما راجع به تکمیل بنای پل رودخانه آجی صاحب کتاب امیر کبیر و ایران چنین مینویسد :

(این مرد بزرگ تاریخ ایران که بحق باید او را از بزرگترین نوابغ سیاسی آن دوره این مملکت محسوب داشت در آغاز قدرت خویش هنگام ولیعهدی ناصرالدین میرزا و حکومت او در تبریز با منصب امیر نظامی عملاً حکمرانی آذربایجان را در دست داشت و در این دوره صرف نظر از آنکه به قدرت سیاست و کیاست خویش یکی از آراستریں دوره های سیاسی را برای آذربایجان تهیه دید خود نیز رسماً اقدام بساختن بناها و احداث ساختمانهای عام المنفعه نمود که از آن میان میتوان پل و سد رودخانه آجی چای و تعمیر مساجد و ابنیه قدیمی تسطیح معابر و خیابانها و ایجاد مدارس و تکایا را نامبرد.^{۲۰})

همچنین مادام دیولافوا که باتفاق شوهرش مسیومارسل دیولافوا دانشمند و مهندس و باستانشناس معروف فرانسوی که در سال ۱۸۸۱ میلادی از راه قفقاز بایران آمده و تحقیقات و تمیعات ارزنده ای انجام داده اند هنگام ورود به تبریز مشاهدات خود را درباره پل رودخانه آجی چای در سفرنامه معروف خود چنین مینویسد :^{۲۱}

اکنون به پلی رسیدیم که رودخانه آجی سو از زیر آن میگذرد. و از پل آجری که تقریباً ۶۰ متر بود و خط منکسری تشکیل میداد عبور کردیم. عرض این درمیان دو دیوار طرفین آن به پنج متر میرسید سنگهای درشتی در سطح آن پراکنده و باعث زحمت حیوانات و مسافریں بودند. بقدری این پل خراب و پیرازسنگ است که در موقع کم آبی کاروان از رودخانه عبور میکنند و کسی هم در فکر تعمیر آن نیست پایه های این پل با سنگ آهکی بنا شده و کتیبه ای هم در بالای آن دیده میشود. در آن طرف پل خیابان طولی امتداد دارد که از بانها احاطه شده است.

۲۰ - مجله تحقیقات تاریخی ص ۲۳۸

۲۱ - سفرنامه مادام دیولافوا صفحه ۴۴ و ۴۵

نادر میرزا نیز در کتاب معروف خود - موسوم به تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز که بسال ۱۳۰۶ هجری قمری برشته تحریر در آورده در خصوص آجی چنین مینویسد: «سدی از سنگ و آهک که امتداد آن از اواخر روستای بارنج است تا نزدیکی پل آجی عمارت کردند بهر دو ساحل مهرانرود»

دکتر فوریه طبیب مخصوص فرانسوی ناصرالدین شاه قاجار در کتابی که بنام سه سال در دربار ایران (۱۳۰۶-۱۳۰۹ ه.ق) برشته تألیف آورده مینویسد: هنگامیکه درالتزام ناصرالدین شاه از سفر فرنگ مراجعت مینموده اند شرح ورود خود به تبریز را چنین توصیف میکند. ۲۲

..... بعد از آنکه کی به پل کیج و معوج رسیدیم که شانزده چشمه داشت ولی آنرا خوب حفظ کرده بودند بلکه بمناسبت ورود شاه تعمیرات تازه ای نیز در آن شده بود این پل بر روی آجی چای که از کنار شهر میگذرد بسته شده لیکن آب نهر در این موقع بقدری کم بود که اسبها و استرها حتی بی آنکه ترشوند از آن گذشتند.

پل سنخ Seneche

از پلهای قابل ذکر تاریخی میتوان از پل سنخ نام برد این پل بر روی رودخانه کوچکی که از ارتفاعات شرقی سرچشمه گرفته و به رودخانه آجی - چای میپیوندد بنا گردیده است. محل پل مابین جاده قدیم تبریز - صوفیان و مرند در حدود قریه سهلان که در اصطلاح عامه بساوالان معروفست میباشد و این جاده فعلا بلحاظ ایجاد راه اسفالته بازارگان - تا کستان متروک است و پل جدیدی بر روی همین رودخانه با مسافتی بالاتر در شرق پل قدیم بنا کرده اند.

۲۲ - کتاب سه سال در دربار ایران تألیف دکتر فوریه طبیب مخصوص

ناصرالدین شاه صفحه ۴۹

علت وجه تسمیه این پل به سنخ که بمعنای شکسته است شکست قشون عثمانی از نادر شاه افشار میباشد. زیرا در جنگی که بین نادر شاه افشار و مصطفی پاشا در نزدیکی سهلان در گرفت مصطفی پاشا تاب مقاومت نیاورده و رو بهزیمت نهاد.

پل اندر آب

یکی دیگر از پلهای تاریخی که در کتب جغرافیای قدیم از آن نامی بمیان آمده پل زیبائی بوده از ابنیه علیشاه وزیر غازان خان مغول که بر روی رودخانه اندر آب درست بالای نقطه ای که رود اهر بآن ملحق میگردد بنا کرده بودند چنانکه مستوفسی نیز بدان اشاره کرده مینویسد: «پل زیبائی از ابنیه علیشاه وزیر غازان خان مغولی قرار داشته». ۲۳

پل سرخ مراغه

سابقاً بر روی رودخانه های هشت رود و قرانقو پلهائی وجود داشته که متأسفانه فعلاً جز آثار ناچیزی از آنها باقی نمانده است و این پلها در ادوار گذشته مورد استفاده سلاطین و امراء و لشکریان بوده که دائماً از حدود مراغه و یا شهر اوجان بطرف زنجان و سلطانیه و بغداد و یا خراسان تردد داشته و یابالعکس در حرکت بوده اند.

همچنین پلهائی بین مراغه و ساوجبلاغ سابق و مهاباد فعلی وجود داشته که فعلاً برخی از آنها پابرجاست و بوجود همین پلها مرحوم پروفیسور پوپ در کتاب A survey of Persian art اشارت نموده و چنین مینویسد:

..... دو پل دیگر نیز باهمین مشخصات در شمال و جنوب اردبیل پیدا شده و نیز دو پل در راه مراغه - ساوجبلاغ دیده میشود که مؤید این مطلب است که این قبیل پلها سبب و خصوصیات محلی داشته است.

سپس چنین اضافه میکند:

پلی دیگر تقریباً باهمان مدل ساخته شده (مقصود مدل پلدختر است) و اگرچه بدان پایه نیست و لسی هنوز در راه قدیم بین مراغه و زنجان از آن استفاده میشود. این یکی شاید مغولی باشد، پایه مدور (استوانه) ای که پل

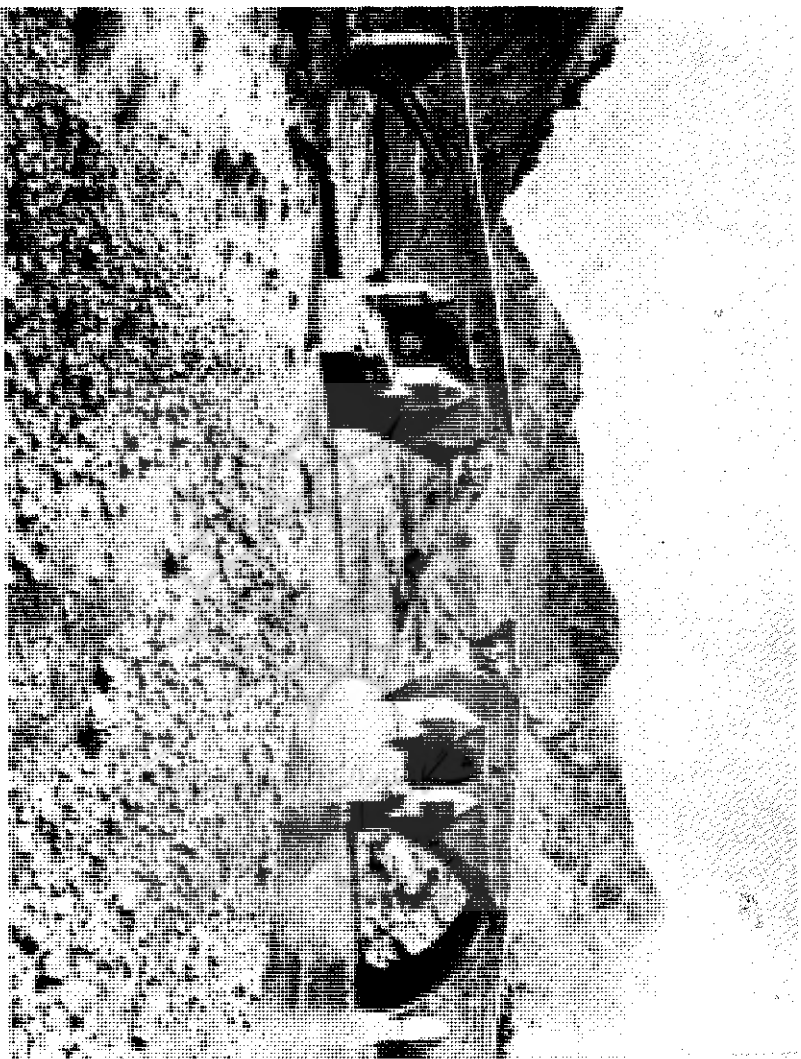
بر آن قرار دارد. شباهت نزدیکی به بناهای ساختمان برجهای مراغه دارد و رنگ ارغوانی (انگوری) سیرآجرها این احتمال را پیش میآورد که همه را دریک کوره آجرپزی معین تهیه کرده اند.

سنگ بنای قاب گرفته شاید اول دارای نوشته‌هایی درباره سازندگان و مرمت کنندگان پل بوده است ولی امروز متأسفانه اثری از آنها نیست و باید تاریخ آنها را باقرائن دیگری معلوم نمود.

علاوه از پلهائی که بین مراغه و ساوجبلاغ وجود دارد و مرحوم پروفیسور - پوپ بدان اشارت نموده پل دیگری در نزدیکی قریه میمند سر راه مهاباد نرده وجود دارد. نظیر پلهائی است که مرحوم پروفیسور پوپ بدانها اشاره کرده ولی از تاریخ بنای آن اطلاعی در دست نیست. ۲۴

از پل‌های قدیمی میتوان پلی را نام برد که بر سر راه ما کو به قریه کلیسا وجود دارد و از تاریخ بنای آن هم نگارنده اطلاعی نتوانست بدست آورد. ۲۵
پل زره بر نگارنده معلوم نشد که در کدام نقطه آذربایجان و بر روی کدام رودخانه بوده است زیرا صاحب کتاب مبارک غازانی از رسیدن عده‌ای از امرای مغول بحضور غازان در پل زره اشاره نموده و چنین مینویسد: ۲۶

« و خواجه سعدالدین را جهت تحصیل اموال خراسانی و هازندران و قومس و ری و ضبط آن و حرز ولایت و تعیین تقارنشکر معین فرموده متوجه تبریز و نورین آقا مصاحب بود و تقتمیش را با اعلام وصول خویش از پیش روانه گردانید در حدود ابهر باز آمد و گفت کیخانو فرمود که غازان را به آمدن چه احتیاج بود میباید که به خراسان مراجعت نماید و جمعی را بفرستد تا مهمات ساخته گردد و ملتسمات مبدول افتد غازان فرمود که چون اینجنا رسیدیم یکدیگر را نادیده. چون باز گردیم امیر آداد و مولای را با اولاغ روانه داشت تا مهمات را بسازند و بجانب تبریز توجه فرمود و در پل زره خواجگان خاص ارغون خان نجیب و عنبر و ریحان ببندگی رسیدند و چون بمبارکی به تبریز رسید چند روزی توقف فرمود.»



عکس پل دختر برودخانه قزاقون در حدود شهر میانه
در سمت چپ عکس زیرعلامت (X) کتیبه‌های وجود دارد که تاریخ تعمیر پل را
در سال ۹۲۳ ه. ق به بیگم خانم مرصلو نسبت میدهد

پل رودخانه آجیچای در دروازه شمالی تبریز

